



کرکوی، آتش پیروز بهرام در سگستان

رضا مهرآفرین*
زهیر واثق عباسی**

(صص: ۸۶ - ۷۵)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴

چکیده

سیستان که در دوره ساسانی از آن با نام «سگستان» یاد می‌شد، ایالت پهناوری را تشکیل می‌داد که تورستان و هند تا کرانه‌های دریا را در بر می‌گرفت. این منطقه در دوره ساسانیان از نظر مردان دلیر جنگی که از مرزهای شرقی ایران حراست می‌کردند، کشاورزی خوب، موقعیت ژئوپولیتیکی و تجاری مناسب و مهم‌تر از همه، بنیان‌های استوار و اصیل دین زرتشتی، اهمیت فراوان داشت. به همین دلایل معمولاً حکومت سگستان به دست ولیعهد اداره می‌شد که بر این اساس ملقب به سکانشاه می‌گردید. اردشیر بابکان که از خانواده‌ای مذهبی برخاسته بود، دین زرتشت را دین رسمی کشور اعلام نمود و خود و جانشینانش مبادرت به ساخت بناهای مذهبی فراوانی از جمله معبد آب و آتش در سرتاسر ایرانشهر نمودند. یکی از معتبرترین آتشکده‌های ساسانی در شرق ایران، آتش کرکوی در سیستان بود که متون مقدسی چون خرده اوستا و بندهشن و مورخینی چون قزوینی، مسعودی و متونی مانند تاریخ سیستان و کتیبه کعبه زرتشت به آن اشاره کرده‌اند. آتشکده کرکوی که از نوع آتش بهرام بود، براساس مطالعات باستان‌شناختی و رهیافت تاریخی از سده سوم قبل از میلاد تا سده هفتم هجری قمری پیوسته فروزان بوده است؛ تا این‌که سرانجام به دست مغولان برای همیشه خاموش گردید.

کلیدواژگان: سیستان، دین زرتشت، آتشکده، کرکوی (کرکویه)، آثار باستانی.

مقدمه

سیستان سرزمینی مسطح در شرق ایران است که هم‌اکنون بخش وسیعی از آن در خاک افغانستان قرار دارد. این منطقه در دوره اشکانیان به لحاظ توانمندی‌های مناسب طبیعی، اقتصادی و مذهبی اهمیت بسیار داشت و محل زندگی خاندان سورن پهلوی، از خانواده‌های بزرگ اشکانی بود. مؤسس سلسله ساسانیان «اردشیر بابکان» پس از پایان بخشیدن جنگ با امپراطور روم، فرصت را غنیمت شمرد تا ولایات شرقی ایران، خصوصاً سیستان را که هنوز در حال وهوای اشکانیان به سر می‌بردند، به تصرف خود در آورد. در این دوره به منطقه سیستان، «سکستان» گفته می‌شد و به دلیل موقعیت خاصی که منطقه داشت، ولیعهد حاکم بر این سرزمین بود و با عنوان «سکانشاه» بر کوست پهناور نیمروز حکومت می‌کرد.

ساسانیان علاوه بر تمرکز قدرت سیاسی، مذهب را نیز در خدمت گرفتند و دین زرتشت را به عنوان دین رسمی کشور اعلام نموده و به شدت به دفاع از آن پرداختند؛ چنان‌که دین و دولت به صورت دو برادر جدایی‌ناپذیر همیشه همراه هم بوده و هریک دیگری را حمایت و تقویت می‌کرد. سیستان در آغاز دوره جدید به دلیل بنیان‌های استوار دینی شدیداً مورد توجه نخستین پادشاهان ساسانی قرار گرفت. در متون اندکی که از دوره ساسانی و پس از آن به جای مانده، از اهمیت فراوان سیستان سخن گفته شده است؛ چنان‌که در خرده اوستا، آتش بهرام، بند ۲۰ پس از سه آتش معروف، از آتش «کرکوی» یاد شده است (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۰۷). بندهش نیز از آتش کرکوی که بنابر این نوشته سه آتش به سیستان است، یاد نموده است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹: ۹۱). در روایات اسلامی نیز آمده که کرکویه در اصل پرستشگاه شخصی و معبدجای گرشاسب بوده و مؤلف کتاب *تاریخ سیستان* می‌نویسد که همچنان زرتشتیان محل آن را مقدس می‌دانستند و می‌گفتند که گرشاسب هوش ایزدی خود را در آن جا نهاده و آن را متبرک ساخته است.

باتوجه به اهمیتی که کرکوی در تاریخ محلی سیستان و نیز تاریخ کیش زرتشت دارد، این نوشتار بر آن است تا با واکاوی متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی نسبت به حل پاره‌ای مسائل به‌گونه‌ای مبسوط پاسخ گوید. آتش کرکوی به چه دوره زمانی تعلق دارد؟ محل واقعی آتش کرکوی در کدام منطقه از سیستان بوده است؟

روش تحقیق در این پژوهش براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت از نوع تحقیقات تاریخی است که در آن موضوع مورد بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستانی در چارچوب رهیافت تاریخی تا حصول نتایج علمی دنبال می‌شود.

سکستان و کیش زرتشتی

در زمان ساسانیان به منطقه سیستان، سکستان گفته می‌شد که این نام برگرفته از قوم سکایی است. سکاهای قومی آریایی‌نژاد در آسیای مرکزی بودند، به سبب هجوم قبایل یوئه‌چی از جانب شمال، به طرف پایین رانده شده و در سال ۱۲۸ پ. م. و در زمان حکومت اشکانیان، وارد فلات ایران شدند و در صفحات جنوب شرقی ساکن گردیدند و پادشاهی سکستان (سیستان) را بنیان نهادند (سلطانی، ۱۳۷۷: ۲۱-۲۰).

منطقه سیستان در سنت‌های زرتشتی، دارای مقامی بس ارجمند می‌باشد؛ چنان‌که روایات زرتشتی، محل ظهور سه پسر زرتشت را کنار هامون دانسته است. در کتاب بندهش آمده است که آتش کرکوی در سیستان از نوع آتش مقدس بهرام^۱ بوده و تعداد آن سه آتش بوده است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹: ۹۲). همچنین در خرده اوستا، بند بیستم از آتش بهرام، از کرکوی چنین یاد شده: «آتش بهرام، آذران شهریار پیروز؛ آذرگشنسب، آذر فرنبرگ، آذر برزین مهر و دیگر آذران را که به دادگاه نشانده شده‌اند، بزرگی و فر بیفزایاد! آتش مینوی دلیر و پیروز «کرکوی» را بزرگی و فر بیفزایاد»

(دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۰۷).

از آن جایی که مردم سیستان، زرتشتیان متعصبی بودند، ساخت آتشکده می توانست در همدل کردن و همگرایی آنان با ساسانیان کاملاً مؤثر واقع شود. در سنگ نیشته کعبه زرتشت، شاپور به برپایی آتش مقدسی که برای شادی و بقای «نرسه» ساخته است، اشاره می کند (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۱۸۳). این موضوع نشان می دهد که «نرسه» از جایگاه ویژه ای نزد پدر برخوردار بوده؛ اما مشخص نیست که این آتش مقدس در سیستان جای داشته یا در مکانی دیگر. براساس گفته های «لوکونین» می توان نتیجه گرفت که این آتشکده در سیستان برپا شده است. پس از به قدرت رسیدن شاپور اول، یکی از پسران وی به نام «نرسه» حکومت سگستان را در دست گرفت و ملقب به «سکانشاه» گردید؛ همچنین او معتقد است که نرسه، خواهرش شاپوردختک را به زنی گرفت و این شاهزاده خانم لقب شهبانوی سکاییان داشته است (لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۷۴).

کردیر یا کرتیر، نام یکی از سیاستمدارترین دین مردان ساسانی است و کرتیر که امروزه رایج شده؛ تلفظ سنتی و تاریخی این واژه است. اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی به دست کرتیر کامل شد. کرتیر در چهار کتیبه خود در سرمشهد، نقش رجب، نقش رستم و کعبه زرتشت که همه آن ها به خط کتیبه ای پهلوی ساسانی نوشته شده اند؛ تقریباً مطالب همسانی دارند (آموزگار، ۱۳۸۵: ۴۰-۳۹). در این کتیبه ها در فهرست ایالت ها به سیستان اشاره می کند و می نویسد: «من به فرمان شاهان شاه، آن مغ مردان و آتش هایی که در این سرزمین بود آن را از زیان و غارت نجات دادم. برای آتش ها و مغان بسیاری نوشته و سند تهیه و با پشتیبانی ایزدان و شاهان شاه و بر اثر اعمال من در سرزمین ایران بسیار آتش های بهرام تأسیس شد» (همان: ۵۰-۴۶). این کتیبه ها به عنوان منابع دست اول، سخنان مورخان و جغرافیانگاران را تأیید، و سیستان را به عنوان منطقه ای مهم از لحاظ مذهبی و سیاسی معرفی و از برافروزی آتش بهرام در سیستان و جاهای دیگر یاد می کند.

کرکوی در متون تاریخ نگاران

برای یافتن موقعیت درست کرکوی و مکان نگاری دقیق آن، ناگزیر باید به زرنج رجوع نمود. زرنج (زرنج) که در اوایل استیلای مسلمانان بر این سرزمین، مرکزیت سیستان را دارا بود، هم اکنون در خاک افغانستان قرار دارد. بسیاری از مورخین و جغرافیانگاران سده های نخست اسلامی، موقعیت اماکن را براساس مرکز ایالت و یا جاده های ارتباطی آن سرزمین مشخص کرده اند (تصویر ۱).

مقدسی در کتاب خود درباره زرنج می گوید: «زرنج قصبه سگستان است، دژی استوار با ساختی شگفت انگیز دارد و بصره خراسان به شمار می آید. گردش خندقی هست که آب در آن جوشیده بیرون می رود، شهرکی دارد با دژ و خندقی که جامع در آن است و زندان در برابر آن شگفت انگیز ساخته شده است که دو آتشگاه (مناره) دارد، یکی کهن و دیگری را که با مس پوشیده است، یعقوب لیث ساخته است، دژی نیز دارد. در دشت ساخته شده و دروازه ها و کوچه های بسیار دارد. نیمی از آن را اردشیر و نیمی دیگر را خسرو ساخته است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۴۵-۴۴۴).

جیهانی هم پس از زرنج به کرکویه اشاره می کند: «زرنج شهری بزرگ است و آن را شهرستانی ست و ربضی و خندقی استوار و شهر را هم ربضی و خندقی و آب خندق زه است و آب های دیگر افزونی از جوی ها به خندق می رود و آن را پنج در است، یکی را در نو خوانند و دیگری را نزدیک او در کهنه. و هردو در، به فارس روند. سوم را کرکویه از آن جا به خراسان روند. چهارم را نیشک از آن جا به بست روند و پنجم را در طعام، از آن جا به روستا روند. به در کرکویه بناهای بزرگ است، آن را ارگ می خوانند» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲-۱۶۱).

محققان و مستشاران بسیاری از این اثر بازدید کرده اند، از آن جمله کلنل بیت در سال ۱۸۹۴ م، سرپرسی سایکس در ۱۸۹۹ م. که به دیده وی این اثر پایتخت و معبد کیانیان بوده و در سال



تصویر ۱. موقعیت آتشکده کرکوی نسبت به شهر زرنج و زابل (Google Earth).

۱۹۰۵ م. نیز جورج پیتر تیت افسر نقشه بردار گروه حکمیت گلد اسمیت بررسی‌های دقیق‌تری درخصوص مشخصات معماری بنا انجام داد. علاوه بر این، کرکواز دید جغرافیایانویسان سده‌های نخستین اسلامی نیز پنهان مانده و ابن خردادبه در قرن سوم هجری قمری کرکویه را یکی از شهرهای سیستان برشمرده است (اویسی، ۱۳۸۵: ۵). نام کرکوی در اوستا و دیگر منابع به صورت‌های مختلفی آمده که عبارتند از: صیئو کرکوی، مینو کرکوی، کرگوی، کراکر، کوروک، کرکوشاه، کرکویه. «اهل کرکویه به گفته یاقوت حموی، خوارج بودند و در آن جا آتشکده‌ای وجود داشت که زرتشتی‌ها آن را بسیار محترم می‌شمردند» (لسترنج، ۱۳۷۳: ۳۶۶). بنای آتشکده ناحیه کرکوی و آثار باقی مانده، متعلق به دوره ساسانیان می‌باشد (افشار، ۱۳۶۳: ۱۳۳). درخصوص وجه تسمیه این اثر، اطلاعات مستندی در دست نیست، اما در *لغتنامه جامع دهخدا* برای واژه کرکوی آمده: نام پهلوانی تورانی که نبیره سلم بوده و در نبردی که میان او و سام درگرفت به دست سام کشته شد، همچنین ذکر شده است که از رساتیق سیستان است و در شمال زرنج قرار دارد و مجوسان در آن آتشکده بزرگی دارند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۱۸۲۷۸).

باقری به نقل از کتاب *مروج الذهب* می‌نویسد: «یک آتشکده دیگر در سیستان ساخته شده که کراکر نام داشت؛ گویند بهمن، پسر اسفندیار، پسر رشتاسف آن را بساخت». او معتقد بود که کراکر جزو ده آتشکده‌ای قرار داشته که پیش از ظهور زرتشت پسر اسپنتمان، پیمبر مجوس بوده است (باقری، ۱۳۶۹: ۵۹). قبل از تصرف سیستان توسط اعراب، آتشکده کرکوی و سپس آتشکده ترقون دارای اهمیت بسیار بوده‌اند. اعراب این آتشکده‌ها را سرد، و آتش مقدس را خاموش نمودند. احتمالاً اعراب مسلمان آتشکده‌های کوچکی را باقی گذاشته و خاموش کردن آتشکده‌های بزرگ را برای نشان دادن برتری اسلام ضروری دانستند (تیت، ۱۳۶۲: ۱۲۲). همچنین کریستن سن در کتاب *ایران در زمان ساسانیان* این‌گونه می‌نویسد: «سه آتشکده (آذربرزین مهر، آذرربنغ و آذرگننسب) محل ستایش مخصوص بود و بیش از سایر زیارتگاه‌ها زینت و ثروت داشت، لکن بسیاری از معابد درجه دوم هم مورد احترام بودند، خاصه آن‌ها که به یکی از دلیران داستانی یا خود زردشت نسبت داشت، معبد توس، معبد نیشابور، معابد ارجان فارس و کرکوی سیستان بودند که نشان از اهمیت این مکان‌ها دارد» (کریستنسن، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

در بین جغرافیایانویسان، بیشترین اطلاعات را از سیمای کرکویه، زکریا بن محمد قزوینی که در

قرن هفتم هجری قمری می‌زیسته، ارائه کرده است. اما مشخص نیست که آیا تا آن زمان کرکویه به همان شکلی بوده که وی توصیف کرده یا این که او اطلاعات خود را از پیشینیان گرفته است. «کرکویه شهری ست قدیم به سجستان. در آن شهر، دو قبه (گنبد) است بزرگ. اهل آن، چنان گمان برند که آن دو قبه از زمان رستم است و بر سر دو قبه، دو شاخی که هرکدام را مایل به جانب آن دیگری کرده شده، شبیه به دو شاخ گاو. بقای آن دو قبه از وقت رستم تا این زمان از عجایب روزگار است و در زیر آن دو قبه، آتشکده‌ای است مجوس را. به آن ماند که بنا کند ملکی به نزدیک خانه خود معبدی را که عبادت کند در آن. و آتش آن آتشکده فرو نمی‌نشیند هیچ‌گاه. و آن آتشکده را خادمی مقرراند که به نوبت اقدام به برافروختن آن آتش نمایند و نوبت خدمت به هرکه برسد، بیست گز دور از آتش نشیند و دهن و نفس خود را بپوشاند و انبری از نقره، چوبی را از گز به مقدار یک وجب بگیرد و آن را در آتش بگرداند و هرگاه که آتش برسد بی آن که فرو نشیند، چوبی دیگر در آن اندازد و این آتشکده بزرگ‌تر، آتشگاه است نزد مجوس» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۳۲۱). توجه به خورشید و شاخ گاو از نشانه‌های کیش مهر و توجه به آسمان و کهکشان است که می‌تواند آن را به پیشینه دانش کیهان‌شناسی ایرانیان نسبت داد.

کیخسرو به انتقام خون پدرش سیاوش، تصمیم به مبارزه می‌گیرد و به ترکستان، هندوستان و سپس به سیستان می‌رود تا به محل آتشکده کرکو می‌رسد. *تاریخ سیستان* به نقل از ابوالمؤید بلخی شرح کوتاهی از علت برآوردن آتشکده کرکویه دارد. به روایت این کتاب، کرکویه در اصل پرستشگاه شخصی و معبد گرشاسپ بوده است و آتشگاه را بعدها کیخسرو و رستم پس از پیروزی بر افراسیاب و جادوی او ساختند تا در نیرو و روشنایی ایزدی که گرشاسپ در آن جا نهاده بود، سهیم گردند؛ زیرا هنگام جادوی افراسیاب، کیخسرو به این محل آمد و پلاس پوشید و دعا کرد ایزد تعالی آن جا را روشن کند و جادوی تاریکی را در هم بشکند (بی‌نا، ۱۳۸۱: ۷۶). این روایت بی‌شبهت به داستان بهرام گور نیست. بهرام پنجم قبل از لشکرکشی به چین و جنگ با خاقان چین، نخست به آتشکده آذر گشسب (آتش شاهان) رفته و برای پیروزی در جنگ دعا کرد (نوری، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

در کتاب *تاریخ سیستان* آمده است که در سده پنجم هجری، زرتشتیان هنوز محل این آتشکده را مقدس می‌دانستند، این کتاب متن سرود اخلاص ورزان به آتش مقدس را چنین نقل کرده است:

فرخت بادا روشنیده گرشاسب هوش
همی برست از جوش، نوش کن می نوش
دوست بدا کوش، به آفرین نهاده گوش
همیشه نیکی کوش، دی گذشت و دوش
شاهها، خدایگانا: به آفرین شاهی
(باسورث، ۱۳۷۰: ۲۰-۱۹).

«سرود آتشکده کرکوی از قدیمی‌ترین اشعار شش‌هجایی اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در لهجه محلی سیستان است که با توجه به یکی از روایات کهن حماسی به وجود آمده است و یکی از زیباترین سروده‌های زرتشتیان سیستان است» (سیستانی، ۱۳۷۶: ۲۹۶). مطالعه و تحلیل این سرود، فردی آگاه به زبان‌شناسی و اشعار ماقبل اسلام را می‌طلبد و از عهده نویسندگان خارج است؛ به همین دلیل از توضیح بیشتر و تفسیر آن خودداری می‌شود.

سرنوشت آتش مقدس پس از ورود اسلام

سپاه اسلام به فرماندهی ربیع‌بن حارثی در ۶۵۱ م. (۳۱ ه.ق.) به سیستان حمله برد. در ابتدا خونریزی اندک بود، معاهداتی بسته و طبق آن‌ها مقرر شد که اهالی بومی در ازای امنیت‌شان به مهاجمان خراج بپردازند. یکی از این معاهدات با زرتشتیان ساکن شهر کرکوی منعقد شد. سپس

سپاهیان ربیع بن زیاد، زرنگ، یعنی مرکز ناحیه را که در امتداد رود هلمند واقع بود، محاصره کردند. در تاریخ سیستان آمده است که ابرویز (ابروییز) رستم - مرزبان ایالت - برای پذیرش شرایط تسلیم نزد ربیع رفت. این مذاکره، نظر اجمالی و جالب توجهی به تأثیر دین بر روابط دوجانبه است. گفته شده است که ابرویز و افرادش صحنه وحشتناکی را مشاهده کردند که در آن، فرمانده عرب روی سکوی بلندی نشسته بود که از اجساد تشکیل شده بود. زرتشتی‌ها از نزدیک شدن به آن سکو خودداری کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که به دلیل وجود اجساد در آن، از لحاظ آئینی ناپاک است. بنابراین از دور به مذاکره پرداختند. نقل این ماجرا چه واقعی، و چه ساختگی در وقایع‌نامه‌های محلی، غیرعادی نیست. الگوهای رفتاری زرتشتی به خصوص قوانین مربوط به پاکی و ناپاکی که از عوامل تنظیم‌کننده رفتار اجتماعی بود، در ابتدا موجب جدایی زرتشتیان از مسلمانان شد (چوکسی، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۸). این روایت نشان‌دهنده این موضوع است که مردم سیستان حکومت اسلام را پذیرفته بودند اما دین آن را نپذیرفته بودند و اسلام در طی گذشت قرن‌ها کم‌کم جای آئین زرتشتی را گرفت.

در سده‌های نخستین هجری در سیستان، مسلمانان در اقلیت بودند و در آن جا فقط چند مسجد در نواحی شهری بنا شده بود. در کنار کمبود مساجد تا آن زمان، تعداد مراکز دینی زرتشتی طی چهار سده نخست حکومت اسلام کاهش نیافت. یک مدرسه دینی زرتشتی نزدیک زرنگ در حومه مصلی به‌کار خود ادامه داد و آتشکده معروف کرکوی نیز همچنان دایر ماند (همان: ۱۲۵). اگر مذهب زرتشت در سیستان، زمانی در نهایت اوج بود، هم‌اکنون آثار زیادی نیز از آن زمان باقی مانده است و شکی نیست که پس از فتح اعراب تا مدت زیادی این مذهب هم رواج داشته و فامیل‌های گبر (آتش پرستان) زیاد بودند و اعراب وجود آنان را تحمل می‌کردند. بعدها تعصب و سخت‌گیری بر آنان شدت گرفت و آتش‌های مقدس و قربانگاه‌های آن‌ها را از بین بردند (تیت، ۱۳۶۲: ۱۱).

مکان‌نگاری آتشکده کرکوی و باستان‌شناختی آن

این بنای باستانی که با تاریخ و فرهنگ سیستان پیوندی دیرینه دارد، بر روی تپه‌ای باستانی در حوزه هیرمند و در مجاورت روستاهای علی‌خان و کریم‌کشته واقع گردیده است (تصویر ۲). مردم این منطقه، آتشکده کرکو را از دیرباز به خوبی می‌شناسند. این محوطه که بر روی بلندی مرتفعی واقع شده، از هر جهت و تا آن‌جا که چشم توان دیدن دارد، قابل رؤیت است. در جبهه جنوبی تپه، بنایی از اواخر دوره قاجار به چشم می‌خورد. درون اتاق‌های این بنا با گچبری تزیین شده است؛ چنان‌که در قسمت ورودی یکی از خانه‌ها و در دو طرف در ورودی آن کلمه «علی» به آسانی قابل قرائت است. بناهای دوره تاریخی و اسلامی که بر روی تپه ساخته شده‌اند، به شدت تخریب شده‌اند، اما با این حال هنوز پی و دیوارها در برخی نقاط همچنان سالم است. خشت‌های به‌کار رفته در بنای اسلامی، ابعادی در حدود $۶ \times ۲ \times ۲۳$ سانتی‌متر را دارا می‌باشند، در حالی که آجرهای باقی‌مانده از جرزهای آتشکده، ابعادی حدود $۶ \times ۴۴ \times ۶۹$ سانتی‌متر دارند (تصویر ۳). سفال‌های دوره اسلامی و تاریخی، توأمان روی تپه دیده می‌شود. درختان گزی که در اطراف تپه مشاهده می‌شود، احتمالاً جنگل گزی را تشکیل می‌داده که برای روشن ماندن آتشکده لازم داشته‌اند.

طی بررسی میدانی که در محل تپه مذکور به عمل آمد، مواد فرهنگی، خصوصاً سفال از سطح و دامنه آن گردآوری شد تا در چارچوب مطالعات باستان‌شناسی بتوان تاریخ تقریبی استقرار در این محل باستانی و مذهبی را تعیین نمود. پس از طبقه‌بندی و گونه‌شناسی، این سفال‌ها مورد مقایسه گونه‌شناختی قرار گرفتند (تصویر ۴). سفال‌های شاخص جمع‌آوری شده از سطح تپه کرکویه براساس دو متغیر نوع پوشش و ساده یا منقوش بودن به چهارگروه تقسیم گردیدند:



تصویر ۲. نمایی از تپه کرکوی (نگارندگان).

الف- سفال بدون لعاب و ساده

خمیر سفال‌های این گروه به رنگ‌های نخودی و قرمز آجری است که از میزان پخت کافی نیز برخوردارند. رنگ رویه این گروه از سفال‌ها، قرمز، نخودی و نارنجی است.

ب- سفال بدون لعاب و منقوش

کلیه سفال‌های این گروه به دو روش نقش‌کنده و نقش داغدار تزیین شده‌اند. نقش مایه تزیینات در همه قطعات از نوع هندسی و طرح نقوش آن‌ها نیز به صورت خطوط شیاردار موازی می‌باشد.

ج- سفال بدون لعاب و ساده

تعداد سه قطعه سفال از این گروه جمع‌آوری گردید که خمیر دو قطعه از نوع گل رس به رنگ‌های نخودی و یک قطعه از نوع خمیر سفید چینی است. رنگ لعاب این گروه از سفال‌ها شامل حنایی، لاجوردی و آبی فیروزه‌ای می‌شود.

د- سفال لعاب‌دار و منقوش

تنها قطعه سفال از این گروه از نوع سفال با نقش سیاه زیر لعاب آبی (قلم مشکی) است. خمیر این قطعه سفال به رنگ نخودی است و از میزان پخت کافی نیز برخوردار می‌باشد. نقش مایه تزیین در این قطعه، ظاهراً از نوع گیاهی و طرح آن شامل ساقه پیچان؟ می‌باشد.

مقایسه گونه شناختی سفال‌های تپه کرکو نشان می‌دهد که محل مذکور از دوره اشکانی دارای استقرار بوده و این استقرار تا سده هشتم هجری قمری ادامه داشته است (موسوی حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۶: ج ۳۰).

دورتادور تپه کرکو، منطقه‌ای سیلاب‌زده است و در اطراف آن، راه‌های ارتباطی مشاهده می‌شود.



تصویر ۳. بقایای آتشگاه کرکوی (نگارندگان).



تصویر ۴. سفال‌های شاخص جمع‌آوری شده از سطح تپه کرکوی (نگارندگان).

در سمت شمال تپه، سلسله‌ای از تپه‌های کوچک دیده می‌شود که ویرانه‌های ساختمان‌های بزرگی هستند. در سمت شرق و غرب تپه نیز ویرانه‌هایی دیده می‌شود (تیت، ۱۳۶۲: ۵۳-۵۲). این تپه‌ها که در اطراف آتشکده پراکنده بوده‌اند؛ به دلیل ارتفاع کم از سطح زمین‌های اطراف در سیلاب‌های فصلی بسیار تخریب شده‌اند و کشاورزان منطقه با شخم و آبیاری این مراتع، آن‌ها را

به زیر کشت برده و با گذشت سالیان متمادی، امروزه اثر چندانی از آن‌ها دیده نمی‌شود. شکی نیست که ویرانه‌های کرکوشاه، همان کرکویه استخری است که مسعودی در کتاب خود آن را سومین آتشکده قدیمی ایران در دوران قبل از اسلام معرفی می‌کند و نام آن با وجود گذشت قرن‌ها زنده مانده و اکنون نیز کرکویه خوانده می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، امروزه کرکویه در چهار کیلومتری دوست محمد و مرز افغانستان واقع شده و مردم فقیر و نیازمند بر فراز آن زندگی می‌کنند. سکو و دیوارهایی که در دوره‌های بعد و خصوصاً زمان قاجار بر فراز این تپه ساخته شده‌اند، این معبد را در مقابل تخریب عوامل طبیعی مقاوم‌تر کرده؛ اما دیدن آجرهایی با ابعاد $۶ \times ۴۴ \times ۶۹$ در پی‌خانه‌هایی که بر روی تپه بنا شده‌اند، این موضوع را به اثبات می‌رساند که بناهای باستانی این محل توسط عوامل انسانی پیوسته در حال تخریب است.

آسیب‌شناسی و مرمت بقایای آتشکده کرکوی

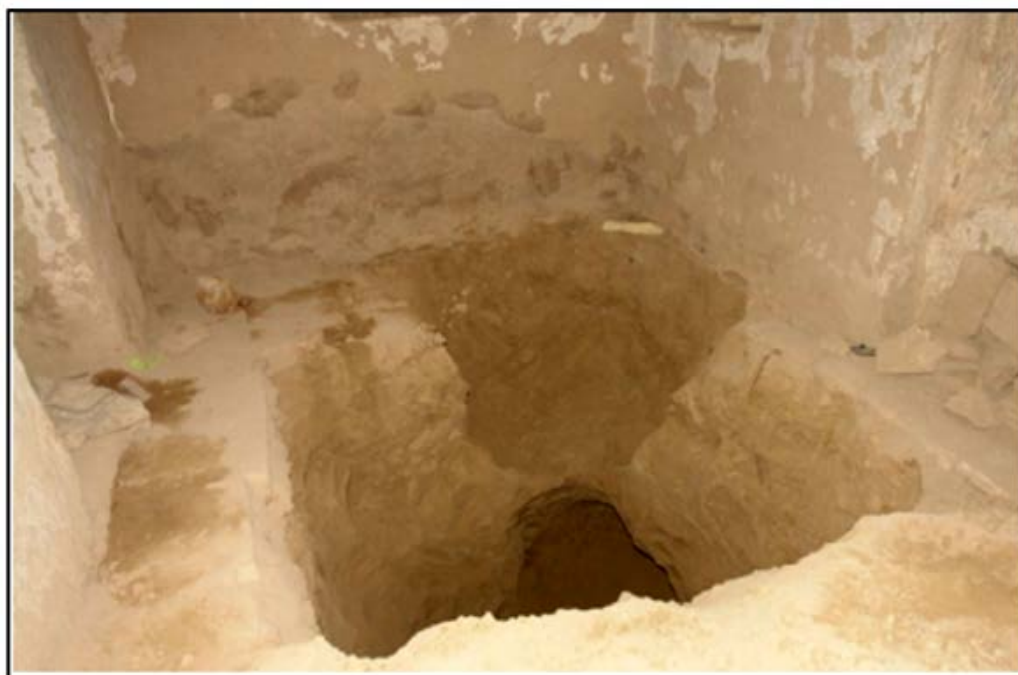
چنان‌چه گفته شد؛ از بنای دوره ساسانی آتشکده کرکوی چیز چشمگیری باقی‌نمانده و از ساختمان‌های دوره ساسانی (بنای اصلی آتشگاه) تنها بخش‌هایی از یک دیوار آجری قابل‌رؤیت است و قسمت‌های دیگر بنای اصلی آتشکده کرکویه در زیر خاک و آوار بناهای دوره اسلامی قرار گرفته که تنها از طریق کاوش‌های باستان‌شناسی می‌توان آن‌را مطالعه کرد و به پلان اصلی آتشکده پی برد.

در قرن اول هجری که سپاهیان اسلام سیستان را فتح نمودند، با مظاهر و بناهای مذهبی زرتشتی نیز برخورد کردند. اگرچه ممکن است این تخریب‌ها به یک‌باره صورت نگرفته باشد؛ ولی مشخصاً بر اثر فشارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بر زرتشتیان ساکن این منطقه وارد می‌شد، موجبات مسلمان شدن بسیاری از زرتشتیان فراهم می‌گردید و اقلیت باقی‌مانده به ناچار به سرزمین‌های بیرون از قلمرو اسلام از جمله هندوستان مهاجرت نمودند. واضح است که عدم رسیدگی به این بناها، به مرور زمان باعث تخریب و از بین رفتن کامل آن‌ها گردیده است.

عوامل طبیعی مانند باد و باران، آفتاب و سیلاب‌های ناگهانی و خصوصاً عوامل انسانی، هیچ‌گاه نقش تخریبی خود را از دست نداده و این بنا را روز به روز ویران‌تر کرده است. البته باید خاطر نشان ساخت که با دفن بنای اصلی آتشکده و ساخته شدن خانه‌های روستاییان بر روی آن، به مرور زمان نقش تخریبی این عوامل به دلیل ایجاد یک لایه پوششی کم‌رنگ‌تر شده است. سیستان اگرچه جزء مناطق خشک و کم‌بارش است؛ ولی وجود رود هیرمند و شاخه‌های فرعی آن‌ها و نیز دریاچه هامون و سیلاب‌های فصلی، موجب تخریب عمده بناهای منطقه در دوره‌های مختلف تاریخی و حتی سده‌های اخیر شده است.

حفاری‌های غیرمجاز یکی دیگر از عوامل تخریب این محوطه باستانی است. این حفاری‌ها که در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته، توسط قاچاقچیان و غارتگران میراث فرهنگی صورت گرفته که باعث تخریب مستقیم بنا می‌شود (تصویر ۵).

نباید از نظر دور داشت که حفاظت فیزیکی و رسیدگی به موقع می‌توانست دست‌کم جلو بخشی از این تخریب‌ها را بگیرد، ولی متأسفانه در سالیان گذشته این امر به دلایل مختلف کمتر اتفاق افتاده است. در پایان باید خاطر نشان ساخت که پروژه‌هایی از قبیل مرمت کوه‌خواجه و همچنین مرمت اتاق دوره قاجاری واقع در کرکویه، کمک شایان توجهی به حفظ آنچه از این میراث باارزش باقی‌مانده، نموده است. امید است که با حفاری در این محوطه بسیار مهم باستانی، شاهد آثار و اطلاعات ارزشمندی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و خصوصاً سیستان باشیم.



تصویر ۵. تخریب تپه کرکوی به وسیله عوامل انسانی (نگارندگان).

نتیجه‌گیری

در دوره ساسانیان، ایالت سیستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و محل جلوس ولیعهد و حکمرانی وی محسوب می‌گردیده است. بنیان‌های قوی مذهب زرتشت در منطقه، آبادانی و ثروت سیستان، موقعیت استراتژیکی و جلوس ولیعهد در منطقه، موجب گردیده بود تا در این منطقه، آتشکده‌ای بزرگ و بااهمیت ساخته شود. با توجه به کتب و نوشته‌های مورخان و جغرافیانگاران سده‌های نخست اسلامی، به نظر می‌رسد روستای کرکوی امروزی، در واقع همان کرکوی (آتشگاه مقدس زمان ساسانیان) در خرده/وستا، بندهشن و شهرک مورد اشاره در نوشته‌های ابن حوقل، مقدسی، اصطخری و حمدالله مستوفی باشد که در تواریخ بارها به آن اشاره کرده‌اند.

برای روشن‌تر شدن موضوع، ذکر دو برهان ضروری به نظر می‌رسد: ۱- ذکر این مسأله در تواریخ که دروازه شمالی شهر زرنج به سمت خراسان بوده و به مناسبت شهر کرکویه که نزدیک آن است، دروازه کرکویه نامیده می‌شود. درست است که مکان دقیق آتشکده کرکوی مورد تردید بوده و عده‌ای محل آن را در نزدیکی قندهار و در کشور افغانستان می‌دانند، اما با توجه به کتب مورخان و جغرافیانگاران سده‌های نخستین اسلامی می‌توان به یقین محل آن را در خاک امروزی ایران دانست. ۲- دلیل دوم که محل آتشکده را به صورت دقیق‌تر مشخص می‌کند، استمرار نام این مکان در ادوار مختلف تاریخ است که تا به امروز ادامه پیدا کرده و هنوز هم به آن کرکوی گفته می‌شود.

خرابه‌های آتشکده کرکویه یا کرکوشاه در حدود ۲۰ کیلومتری شمال غرب زرنج و در سمت چپ شاخه‌هایی از هیرمند در نزدیکی شهرستان هیرمند (دوست محمد) در منطقه میانکنگی به چشم می‌خورد. این بنای باستانی با تاریخ و فرهنگ سیستان درهم تنیده و تا به امروز هویت خود را حفظ کرده است. مردم سیستان به خوبی آتشکده کرکوی را می‌شناسند و داستان‌های زیادی از آن روایت در ذهن دارند.

خشت‌های به‌کار رفته در بناهای اسلامی ابعادی در حدود $۲۰ \times ۲۳ \times ۶$ سانتی‌متر را دارا می‌باشند، در حالی که آجرهای باقی‌مانده از جرزهای آتشکده، ابعادی حدود $۶ \times ۴۴ \times ۶۹$ سانتی‌متر دارند که نشانگر حیات این محوطه در دوران اشکانی و ساسانی است. با توجه به مقایسه گونه‌شناختی سفال

و مصالح به کار رفته در معماری خانه‌ها، این موضوع به اثبات رسید که؛ بناهای محوطه کرکوی مربوط به دو دوره تاریخی و اسلامی است و بدون شک استفاده از این محوطه در دوره اشکانی آغاز شده و بدون وقفه تا پایان سده هفتم هجری قمری به حیات خود ادامه داده است. آخرین بناهای الحاقی در قسمت جنوبی تپه، و مربوط به اواخر دوره قاجار می باشد. بناهای دوره اسلامی به دلیل تماس مستقیم با عوامل مخرب طبیعی، به شدت تخریب شده است.

پی نوشت

۱- برای تهیه این آتش، شانزده آتش را از منابع مختلف جمع آوری می کنند و آن گاه ۱۱۲۸ بار آن را تطهیر می کنند. آتش بهرام، شاه پیروزمند آتش هاست. با نام اورمزد، این آتش را به یاری می خوانند و از او می خواهند که در برابر قوای تاریکی، آنان را نیرو بخشد (حریریان و همکاران، ۱۳۷۷: ۴-۷۳).

کتاب نامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۵). «پژوهش: گزارشی ساده از سنگ نوشته های کردیر»، فرهنگ و هنر، بخارا ۶۴، صص: ۳۸-۵۳.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳). *نگاهی به سیستان و بلوچستان*. زابل: انتشارات هما.
- اویسی، جواد (۱۳۸۵). «آتشکده کرکوی». *فروهر* ۴۱۶، صص: ۷-۹.
- باقری، عباس (۱۳۶۹). *ایوب در باد*. تهران: انتشارات برگ.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۰). *تاریخ سیستان از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان*. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بی نا (۱۳۸۱). *تاریخ سیستان*. به تصحیح: محمد تقی بهار، تهران: انتشارات معین.
- تیت، جی. پی (۱۳۶۲). *سیستان (تاریخ حدود و ثغور جغرافیایی- آثار باستانی و ذکر ساکنین آن)*. به همت: غلامعلی رئیس الذاکری، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات: فیروز منصوری، انتشارات آستان قدس رضوی.
- چوکسی، جمشید گرشاسپ (۱۳۸۱). *ستیز و سازش زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده های اسلامی*. ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- دادگی، فرنبغ (۱۳۶۹). *بند هوش*. گزارنده: مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. جلد دوازده، چاپ دوم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۰). *اوستا، کهن ترین سرودهای ایران*. تهران: انتشارات مروارید.
- *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۹)*. معاونت برنامه ریزی استانداری سیستان و بلوچستان.
- سلطانی، سیما (۱۳۷۷). «دو گفتار در مورد آثار باستانی سیستان و بلوچستان». *نشریه سازمان برنامه و بودجه سیستان و بلوچستان* ۸۲.
- سیستانی، محمداعظم (۱۳۶۷). *سیستان (سرزمین ماسه ها و حماسه ها)*. کابل: آکادمی علوم جمهوری افغانستان، مرکز علوم اجتماعی، جلد دوم، سیستان بعد اسلام.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۱). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح: سید محمد شاهمرادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۸۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- لسترنج، گای (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوکونین، و. گ (۱۳۵۰). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات کاویان.
- موسوی حاجی، سید رسول. و مهرآفرین، رضا (۱۳۸۶). «بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان، فاز ۱». زاهدان: میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۱). *برچکاد/وشیید*. تهران: انتشارات دریافت.
- نوری، احمد (۱۳۸۶). *پیشدادیان و کیانیان*. تهران: انتشارات مرسا (پخش انتشارات آرتامیس).